



رئیس قوه قضائیه:

باید اعتراض را شنید و منطقی برخورد کرد

کروه سیاست: سیدابراهیم رئیسی با بیان این جمله که «اعتشاش و آشوب خط قرمز دستگاه قضائی است» گفت: فرایند دادرسی ضامن حقوق همگان است. این سخنان حجت‌الاسلام رئیسی مرتبط با اتفاقات قضائی هفته جاری است که با پذیرش...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۹ • ۲۹ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ • ۲۱ جولای ۲۰۲۰

تیتراها

قانون اعطای تابعیت قانونی برای اجراشدن

صفحه ۹

آغاز بررسی جعبه سیاه هواپیمای اوکراینی

صفحه ۴

اجرای حکم اعدام موسوی مجد

صفحه ۲

توضیح درباره واکنش کدخدایی به یک گزارش

صفحه ۲



مقاله‌ای از محسن امین‌زاده

ایران و چین: روابط راهبردی، تجربه توسعه

صفحه ۴

حرف اول

درباره «تیترا» حق با بقایای است اما..

احمد غلامی . سردبیر

حضور حمید بقایی در روزنامه «شرق» ماجرای تلخی بود. هم برای «شرق» و هم برای بقایی. گویا وضعیت کنونی به‌گونه‌ای حکم می‌کند که گناهکار و بی‌گناه بدون عیان‌شدن حقیقت در جدالی نافرجام رودرروی یکدیگر قرار بگیرند. دست‌آخر هم معلوم نشود حقیقت ماجرا چه بوده و چه باید کرد. مثل تمام دولت‌هایی که روی کار می‌آیند و اغلب بعد از هشت سال کنار می‌روند و هرچه دولت‌شان به انتها نزدیک‌تر می‌شود، از ارج و قرب می‌افتند و همه مسائل و مشکلات بر سر آنان آوار می‌شود؛ دولت احمدی‌نژاد هم از این قاعده مستثنا نبود. محمود احمدی‌نژاد یک‌تنه چنان به هاشمی‌رفسنجانی یورش برد و درست و نادرست، روا و ناروا را برای شکست او درهم پیچید که در تاریخ انقلاب اگر چه بی‌سابقه نبود، کم‌سابقه بود. دولت احمدی‌نژاد، با هزینه سنگینی روی کار آمد. هیچ دولتی همچون دولت مهرورزی بر مسند امور ننشست. روزگار تلخ بخش عمده‌ای از جامعه را احمدی‌نژاد و یارانش رقم زده‌اند. به‌جزئی می‌توان گفت دولت‌های نهم و دهم از این منظر استثنای بی‌تکراری بود. بگذریم. یادآوری تلخی کش آمده آن روزگار، تنها برای این است که نشان بدهم حضور غریب و پرهیاهوی بقایی در «شرق»، با آن صورت تکیده و دست‌های لرزان از خشم، همه‌وهمه در اعتراض به «شرق» نبود بلکه به‌خاطر خشم از سرگذشتی هم بود که از سر گذرانده و هنوز می‌گذراند.

ادامه در صفحه ۲



علی صوفی:

جهانگیری خودش گفت که نامزد انتخابات ۱۴۰۰ می‌شود

شرق:علی صوفی درباره جایگاه اسحاق جهانگیری در دولت حسن روحانی گفت: «آقای جهانگیری بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در دولت کمرنگ شد تا جایی که گفت نمی‌توانم منشی دفترم را عوض کنم. امروز دیگر او جزء یاران...

صفحه ۳

سال هفدهم • شماره ۳۷۷۲ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

قرارداد ایران و چین: از کدام موضع؟

علی دینی‌ترکمانی . کارشناس اقتصادی



قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین یکی از موضوعات داغ این روزهاست. بدون ورود به جزئیات این قرارداد، به چند نکته کلی اشاره می‌کنم که می‌توان بر مبنای آنها درباره خروجی این قرارداد از منظر منافع ملی به ارزیابی پرداخت.

نکته اول: چین و ایران دارای دو الگوی متفاوت در تعامل با جهان هستند. چین که در زمان مائو، معتقد بود آمریکا «ببر کاغذی» است و اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناخت، بعدها، با درک اهمیت توسعه اقتصادی، از در سازش با آمریکا درآمد و اسرائیل را نیز به رسمیت شناخت. به این‌صورت، توانست، رشد سالانه حدود هشت درصد از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ را در دوره دانگ شیائوپینگ و رهبران بعدی، تکرار کند و به معجزه نوین شرق آسیا معروف شود. سیاست خارجی ایران بر مبنای سستیز با اسرائیل و آمریکا شکل گرفته و در گذر زمان قوام یافته است. تغییرات به‌وجودآمده در گفتمان حاکم بر سیاست خارجی در این حد است که اعلام شود: «منظور ما از حذف اسرائیل ملت اسرائیل نیست، دولت صهیونیستی آن است». تعاملات با آمریکا نیز همراه با افت و خیزهای فراوانی بوده است. از تلاش‌ها برای برقراری مناسبات کم‌تشش گرفته تا خط‌ونشان کشیدن‌های تند و تیز همراه با وقایع ماه‌های اخیر که گاهی به رودرویی نظامی کشیده شده است.

نکته دوم: چین، در حال حاضر، در نقش ابرقدرت اقتصادی جهان، در کنار آمریکا و اروپا، در حال ایفای نقش خود است و در کشورهای مختلف جهان دست به سرمایه‌گذاری مستقیم می‌زند تا همان مسیری نواستعماری قدرت‌های بزرگ پیشین را تکرار و این کشورها را به خود وابسته کند، در همین راستا، در پی جان‌دازی یوان به عنوان ارز معتبر در گوشه و کنار جهان است. با قراردادهای دوجانبه با کشورهای مختلف، از چند سال پیش، اقدامات لازم برای امکان‌پذیرشدن استفاده چینی‌ها از یوان، به جای دلار یا یورو، در کشورهای طرف قرارداد را فراهم کرده است. با افزایش تعداد کشورها، عملاً قلمروی جغرافیایی استفاده از یوان جهانی می‌شود.اقتصاد ایران نه‌تنها توان رقابت با اقتصاد چین را ندارد، بلکه در سال‌های اخیر، بر اثر تحریم‌ها، از نفس افتاده است. میانگین میزان رشد اقتصادی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹ برابر صفر است؛ یعنی دهه از دست‌رفته ۹۰ به دهه جنگ با متوسط رشد منفی ۶/۱ درصد در سال اضافه می‌شود. خروجی این موقعیت، تشدید فشارهای تورمی و تعمیق رکود و در نهایت کاهش شدید ارزش پول ملی است.نکته سوم: چین در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴، نرخ یک دلار را از ۵/۱ یوان به حدود ۹ یوان افزایش داد و سپس از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ در حد ۵/۸ یوان تثبیت کرد و از ۲۰۰۵ به بعد به کانال شش یوان به ازای یک دلار ساند؛ یعنی بعد از یک سیاست کاهش ارزش پول ملی، توانست با اتکا به بنیان‌های اقتصادی قوی، دست به تقویت ارزش یوان بزند. در حال حاضر، این توانایی را با اتکا به ذخایر ارزی حدود سه هزار میلیارد دلاری خود دارد. ارزش یوان را دوباره تقویت کند و به نیاز آمریکا و اروپا پاسخ مثبت بدهد. تقویت ارزش یوان موجب ارزان‌ترشدن صادرات آمریکا و اروپا در بازار چین و گران‌ترشدن صادرات چین در بازارهای این کشورها و در نتیجه بهبود تراز تجاری آنها با چین می‌شود. به احتمال زیاد، چین، زمانی دست به چنین سیاستی خواهد زد که امتیازهای مهمی در حوزه فناوری‌های پیشرو از این کشورها بگیرد تا مسیر ابرقدرتی و نیل به اهداف جاه‌طلبانه در سال‌های آینده را هموار کند.

ایران در موقعیتی نیست که بتواند نقطه اتکایی برای رهایی اقتصاد غرب از چالش‌های اقتصادی محسوب بشود. نه، تنها، امکانی برای تقویت ارزش پول ملی وجود ندارد که لحظه‌به‌لحظه ارزش آن فرو جمع‌بندی؛

چین به عنوان یک بازیگر مهم جهانی در حال ظهور است. نمی‌تواند قواعد مهم بازیگری جهانی از جمله تأمین امنیت برای تولید و سرمایه خارجی را نادیده بگیرد. نمی‌تواند بدون همکاری با غرب به فناوری‌های پیشرو دست یابد. ازاین‌رو، منافعش، در محکم‌کردن میخ قدرت نواستعماری در حال ظهور خود است که لازمه آن همکاری با قدرت‌های بزرگ جهانی است؛ یعنی برای چین، یک کشور خاص، فرخ بر مسئله است. آنچه اهمیت دارد، تأثیر تعاملات با چین کم‌رنگی بر کلیت تعاملاتش با جهان است. اگر تأثیر منفی بگذارد، به احتمال زیاد، از آن پس می‌کشد. اگر در راستای منافعش باشد، بازی را به گونه‌ای پیش می‌برد که دیگران را در خدمت تأمین منافع خود قرار دهد.

ادامه در صفحه ۲

تحلیل علیرضا علوی تبار از طبقات اجتماعی در گفت‌وگوبا «شرق»

اصلاح طلبان ناتوان از نمایندگی طبقه متوسط؟

بیگیری می‌کند فرصت‌های از دست‌رفته



صفحه ۳

یادداشت

مجلس اصولگرا و تفاوت طرح و لایحه

تعهد به قانون‌گذاری لایحه‌محور، می‌تواند به حل یکی از معضلات دیرین نظام قانون‌گذاری ما، یعنی عدم اجرای قانون یا اجرای ناقص آن کمک کند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده عدم اجرای قانون به نحو بایسته از سوی قوه مجریه، ناشی از عدم مشارکت دولت در تدوین پیش‌نویس و ارائه پیشنهاد قانونی از طریق طرح باشد.

۴. کیفیت اجرای قانون، نسبت مستقیم با سازوکارهای تهیه پیش‌نویس و چگونگی تعامل با قوه مجریه دارد؛ تجربه نشان داده در صورت مشارکت مؤثر دولت، زمینه اجرایی‌شدن هموارتر می‌یابد. در مرحله تهیه پیش‌نویس، لزوم اجرا ازجمله منابع انسانی، سازمانی و مالی کافی باید تهدید شود. در صورت پیش‌بینی چنین لوازمی - که گرچه لزوماً در حکم قانونی درج نشده‌اند، اما در مقدمه توجیهی یا در ضمن اسناد پشتیبان در حل معضلات دیرینه باشد. ۵. اینکه چه سهمی از ابتکار تقنین به ارائه «طرح» از طرف مجلس و چه سهم به ارائه «لایحه» از سوی دولت اختصاص یابد، موضوع پژوهشی است که معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «اختلال در ابتکار قانون‌گذاری ایران: آموزه‌هایی برای مجلس یازدهم»، به آن پرداخته است. در این تحلیل، پیامدهای سوء غلبه قانون‌گذاری بر مبنای طرح، تبیین شده و ضمن بررسی کارنامه مجلس دهم، آسیب‌شناسی غلبه طرح‌محوری بر ابتکار قانون‌گذاری، واکاوی شده است. در ادامه، ضمن تحلیل آماری روند تقنین مجلسین نهم و دهم، بیان می‌شود که طرح‌های ارائه‌شده در دوره‌های نهم و دهم، بیش از دو برابر لایحه تقدیمی از طرف دولت بوده است. به‌عنوان نمونه در سال پایانی دوره دهم، چهارپنجم ابتکار تقنینی از طریق طرح صورت گرفته و به ازای هر چهار طرح ارائه‌شده، فقط یک لایحه به مجلس تقدیم شده است!

۵. در گزارش «اختلال در ابتکار قانون‌گذاری...» به این مهم تصریح شده است که شواهد و نمونه‌های متعدد ذکرشده، به معنای مقصر جلوه‌دادن مجلس در بروز یا حل معضلات و نابسامانی‌های امروز کشور از یک سو و تیره دولت از کاستنی‌ها، ناهماهنگی‌ها و ناکارآمدی‌ها از سوی دیگر، نیست. به بیان روشن‌تر، فعل یا ترک فعل دولت در امور اجرایی و همچنین امور مقررات‌گذاری، یکی از عوامل اصلی گسترده‌ترشدن آسیب ابتکار تقنینی از طریق طرح است. برای نمونه، عدم اجرای تکالیف قانونی از طرف دولت، مهم‌ترین انگیزه برای ارائه طرح‌های مکرر است. همین‌طور بحث ساماندهی بازار خودرو یا به‌تازگی ارائه «طرح ساماندهی بازار خودرو» و تصویب آن، نمونه اقدامات مجلس در قالب ارائه طرح برای وادارکردن دولت به انجام تکالیفی است که پیش‌تر قوانین مختلفی راجع به آنها به تصویب رسیده است.

ادامه در صفحه ۲

کیمیاگری با پول‌شویی ارزی

مدیر مبارزه با جرائم سازمان یافته گمرک از شیوه پولشویی بعد از شوک ارزی می‌گوید

می‌گوید و خبرهایی درباره شناسایی و کشف مواد مخدر قاچاق انسان می‌دهد. رضا کلی از آثار شوک ارزی در دو، سه سال اخیر می‌گوید که چطور اظهارنامه‌های خلاف، صادرات و واردات را برای افراد جذاب کرده است. مثل موردی که فردی دستگاه لیب‌زن روی فلزات وارد کرده و کیلویی ۲۷۵۰ یورو هزینه آن را اظهار کرده بود که با رقم اصلی آن زمین تا آسمان متفاوت بود. مشروح گزارش در صفحه ۶



حمله و اتهام‌زنی برخی اصولگرایان به حجاریان تسویه حساب سیاسی با رمز فسادستیزی

صفحه ۲

یادداشت

پول، تورم، ابر تورم و ایجاد آنها

ناسالم هم پولی است که نمی‌تواند یکی از سه کارکرد فوق را اساسا به‌دلیل تورم ارائه کند. عوامل ذیل معمولاً علل اصلی تورم به شمار می‌روند: ۱- کمبودها: تقاضای مازاد ناشی از یک شوک تقاضا یا عرضه مانند کاهش ناگهانی محصول در نتیجه یک فاجعه طبیعی.

۲- شوک‌های تراز پرداخت‌ها: شوک تجاری، مثلاً افزایش ناگهانی در قیمت بین‌المللی نفت؛ ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی که به تخریب تراز حساب جاری می‌انجامد؛ انباشت پایدار بدهی خارجی. ۳- کسری بودجه دولتی: مثل از دست‌رفتن ناگهانی درآمدهای دولت یا افزایش شدید در مخارج مالی دولت. ۴- سیاست پولی انبساطی: اتخاذ یک سیاست دائمی افزایش عرضه پول توسط مقامات پولی و کاهش مداوم نرخ بهره حقیقی.

۵- نظام پول کاغذی: وسوسه معمول دولت‌های با نظام پول کاغذی برای توسل به سیاست تورمی به‌منظور تأمین مالی نیازهای بودجه‌ای. تقریباً تمامی ادوار تورم در اقتصادهای مدرن در سده‌های بیستم و بیست‌ویکم با موارد یادشده مرتبط بوده‌اند؛ اقتصاد ایران هم از این امر مستثنا نیست و با همه این موارد در زمان‌های مختلف دست به گریبان بوده است. درحال حاضر موارد یک تا چهار هرکدام به‌نحوی به‌شدت فعال شده‌اند و چاپ پول هم که همیشه در دستور کار است. البته به این نکته هم اشاره کنم که موارد پیش‌گفته شرط‌های لازم برای ایجاد تورم‌اند، اما کافی نیستند؛

ادامه در صفحه ۴

